

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هما دور راه خدا
و العاد کونا کون آن

دوره، هفتم، شماره سیزدهم

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۳

نام جزوه: جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

۴ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

فهرست مطالب

۵ فغان زجغد جنگ و مرغواى او.....

۲۹ ابعاد گوناگون جهاد.....

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۵

فغان زجُغد جنگ و مُرغوای^۱ او^۲

این، نخستین دستاورد ذهن از یادآوری جنگ است؛
هر کس، از یاد جنگ؛ خون، کشتار، ویرانی،
اضطراب، نگرانی و تباهی را به خاطر می آورد.

شاعری، مردان جنگ طلب تاریخ را چنین

تصویر می کند:

...مردانی که با چکمه به دنیا آمده اند! و

هنگامی که در کوچه ها با بی ادبی تُف می کنند؛

خون جاری می شود!

۱. آوای شوم.

۲. دیوان کلیتات اشعار ملک الشعراء بهار.

۶ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

چشمانی از آب گینه^۱ دارند... و قلب هایی از
کینه و پنجره خوابگاههایشان؛
به گنام^۲ گرگ باز می شود...
در برابر این تصوّر ابتدایی که هر کس از جنگ
دارد؛ از صلح تصویری آرامش بخش؛ همراه با
سرسبزی و آبادانی و راحت و آسایش و بالندگی و
تولید و وفور؛ به ذهن می آید.
اما بر خلاف آن چه که در ذهن همه است؛ در
متون مقدّس اسلامی؛ جنگ؛ چهره ی با شکوهی
دارد.

۱. شیشه.

۲. پناهگاه شبانه‌ی درندگان.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۷

پیامبر بزرگوار و ارجمند اسلام (صلی الله علیه و آله) درود پاکان بر او تمام خوبی ها را در سایه ی شمشیر می داند؛ شمشیر را کلید بهشت و آتش و دستمایه ی بر پایی عدل و داد و استقلال، می شمارد:

قال رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ):

«الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ!»^۱

حضرت امیر (علیه السلام) نیز می فرمایند:

«...وَ إِنَّ أَفْضَلَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ؛ وَالَّذِي نَفْسِي

بِيَدِهِ، لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مِيتَةٍ عَلَيَّ

فِرَاشٍ...»^۱

۸ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

«...برترین گونه ی مُردن؛ کشته شدن - در راه خدا - است؛ سوگند به کسی که جانم در اختیار اوست، همانا هزار زخم شمشیر، نزد من از مردن در بستر آسان تر است...».

* * *

اینک این پرسش به جاست که چرا اسلام تا این اندازه به کشتن و کشته شدن و جنگ و مبارزه و جهاد؛ بها می دهد و ارج می نهد و جنگ را باعث سرفرازی و شرف، آسایش و رفاه و رسیدن به بهره های معنوی سترگ و سعادت بزرگ، می داند؟ در جستجوی پاسخ به این پرسش؛ به چند مطلب دست می یابیم:

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۹

مطلب نخست این که: جهان میدان بزرگی از
نبرد و مبارزه است؛ و گیتی، آوردگاه سترگی است که
همه موجودات در آن در رویارویی اند و این تزام
و رویارویی هرگز پایان نمی یابد؛ مگر با پایان یافتن
جهان؛ یعنی در واقع انجام یافتن و پایان گرفتن این
رویارویی؛ نقطه ی پایان و انجام جهان مادی است...
با نگرشی به موجودات و مطالعه ی سراسر
جهان هستی؛ در خواهیم یافت که دست کم، در
جهان مادی زندگی موجودات؛ وابسته به تلاش و
مبارزه است؛ و جهاد به این معنا در موجودات مادی،
فطری است؛ از همین رو آفرینش به این موجودات؛
ابزار مبارزه را به سزاوار حال و فراخور احوال نیز
داده است. گوزن با شاخ های پیچاپیچ و آهو با

۱۰ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

ساق های باریک و نازک تا خویشتن را از محیط
خطر برهاند و شیر و یوزپلنگ و ببر و پلنگ با
چنگال های تیز و پنجه های قوی تا خطر را با حمله
دفع نمایند.

کز شیر حمله خوش بود و از غزال، رم.
شاعری؛ چه نیکو، از همین ویژگی آفرینش،
خط توحید را خوانده است؛ آن جا که می گوید:
... ای یگانه!

توحید تو، خطی است

کز پیچاپیچ شاخ گوزنان می گذرد...

از بلندای شاخساران می گذرد

توحید تو، ترنم خاموش بوته ساران

در راستای تاریک بیشه زاران

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۱۱

توحید تو،

تواضع نرگس است

و غرور صنوبران

و سپیداران.

آری، همان طور که این شاعر در جزء اخیر
شعرش توجه کرده است؛ حتی نباتات نیز از آن
قاعده مبارزه، برای ادامه ی حیات؛ مستثنی نیستند.
گیاهان با ریشه دوانیدن و شکافتن ژرفای زمین
برای جذب آب و غذا و ادامه ی حیات؛ مبارزه
می کنند و بخشی از نیروی زمین را در خود جذب
می نمایند؛ چنان که با برگ ها و ساقه ها هوا را
جذب و تجزیه می سازند.

مطلب دوم: این که: در روند این مبارزه؛ باید

حق پیروز و باطل نابود شود.

قرآن گرامی؛ در موارد زیادی از ستیز حق و

باطل، سخن گفته است:

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا،
فَاخْتَمَلَ السَّبِيلُ زَبَدًا رَابِيًا... كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ
وَ الْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ
النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ
الْأَمْثَالَ»^۱.

آب را از آسمان فرو فرستاد تا رودخانه ها به

فراخور خویش؛ از آن آب روان شوند؛ پس آب روان

کف را بر دوش (امواج) خود گیرند... این چنین

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۱۳

خداوند(مثل) حق و باطل را بیان می کند که این کف؛ به کنار می رود اما آن چه برای مردم سودمند است؛ بر زمین درنگ می کند و دیر می ماند خداوند مثال ها را اینگونه بیان می کند.

در جای دیگر؛ قرآن ارجمند؛ در مورد مبارزه ی اُمّت ها با رسولان بر حق(سلام الله علیهم اجمعین) چنین می فرماید:

«كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ
وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِ لَتَأْخُذُوهُ وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ
لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ؛ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ»^۱

پیش از ایشان (کُفّار زمان پیامبر مکرم(صلی الله علیه وآله)) قوم نوح و گروه های دیگر بعد از آنان؛

۱۴ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

(پیامبران را) تکذیب کردند؛ و همه اُمت ها اهتمام می‌ورزیدند که پیامبر خود را بگیرند (و از بین ببرند). و «جَادِلُوا بِالْبَاطِلِ» و به ناروا و بر اساس باطل، جدل ورزیدند تا بدین وسیله حق را نابود سازند؛ و من فرو گرفتمشان؛ آیا این پی آمد و عقاب چگونه است؟

پس، ستیز حق و باطل، ناموس این جهان و حقیقتی است انکار ناپذیر و اجتناب ناپذیر و اراده و سنّت الهی این است که باطل را به وسیله ی حق از میان بردارد و حق را به پیروزی و پایداری برساند. چنان که این نیز سنّت الهی است که در مبارزه ی گروه ها و بین اُمت ها این غلبه و این پیروزی باید با کوشش جبهه ی حق و نصرت الهی انجام گیرد.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۱۵

قرآن در این آیه درخشان، می فرماید:

«وَ اذِیْعِدْكُمْ اللهُ اِحْدَى الطَّائِفَتَیْنِ اَنْهَا لَكُمْ وَ
تَوَدُّونَ اَنْ غَیْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُوْنُ لَكُمْ وَیْرِیْدُاللهُ اَنْ
یُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ یَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِیْنَ .
لِیُحِقَّ الْحَقَّ وَ یُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ
الْمُجْرِمُوْنَ»^۱.

و(به یاد آورید) هنگامی که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما باشد(و بر آن پیروز شوید)؛ ولی خداوند می خواهد حق را با کلمات خود تقویّت و ریشه کافران را قطع کند؛ تا حق را

تثبیت کند و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراحت داشته باشند».

منظور تاریخی قرآن؛ اشاره به دو طائفه ی «عیر» و «نفیر» است گروه عیر، چهل نفر بیشتر نبودند، از قریش و حامل مال التّجارة از شام. و مسلمانان دوست می داشتند به جنگ آنها بروند، چرا که هم کم بودند و پیروزی بر آن ها آسان بود و هم اموال زیادی به همراه داشتند و غنائم بسیاری به دست مسلمانان می افتاد، اما گروه نفیر، مهم ترین قدرت نظامی کُفار و نزدیک به هزار مرد جنگی مسلّح بودند که برای نبرد با مسلمانان به طرف مدینه می آمدند.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۱۷

به همین جهت، خداوند دستور می دهد که مسلمانان باید عیر را رها کنند و به جنگ با نفیر عازم شوند تا با شکست آنان؛ قدرت کفار در هم شکسته شود و اسلام بتواند گسترش یابد و به آن سرزمین راه یابد. بدین گونه، آشکار می شود که اسلام از آن رو به جهاد و نبرد تشویق می کند که هماهنگ با ناموس نبرد حق و باطل در تاریخ عالم، در مبارزه گروه ها نیز، اهل حق، اهل باطل را نابود سازد و از میان بردارد.

قرآن کریم در سوره ی بقره آیه ی ۲۵۱

می فرماید:

«وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ

الْأَرْضُ؛ اگر خدا برخی از مردم را به وسیله ی برخی

۱۸ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

دیگر کنار نمی زد؛ زمین تباه می شد. یعنی اگر دفاع الهی از مجتمع اسلامی با دست خود مردم با گسترش جهاد و تشریح آن؛ انجام نمی شد؛ زمین فاسد می شد.

و در سوره‌ی حج آیه ی ۴۰ می فرماید:

«...وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...».

اگر دفاع الهی از مردم به دست برخی علیه برخی دیگر، در میان نمی بود، مراکز عبادت و شعارهای الهی چون صومعه ها و مراکز عبادت اهل کتاب از نصاری و یهود و مساجد که در آن ها نام خدا بسیار برده می شود از میان می رفت.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۱۹

مطلب سوّم: این است که **جهاد در راه آرمان های والای انسانی** است. در اسلام، جهاد و مبارزه و نبرد؛ برای فرونشاندن لهیب های سوزنده ی انتقام و یا سلطه جویی و یا برای خاموش کردن زبانه های فروزان آتش خواهش ها و آمال و شهوات حیوانی نیست بلکه، جهاد، در راه گسترش و نشر اسلام و دعوت به اسلام است؛ و به دنبال این آرمان والا است که موانع گسترش اسلام و تعالیم والای آن؛ از فرا راه انسان های محروم و عقب نگاهداشته شده یا عقب مانده؛ برداشته شود و همگان با سر چشمه های روشن این تعالیم نجات بخش آشنا شوند؛ و با نوشیدن از زلال گوارای آن؛ در باغستان خلیفة اللّهی بیالند و بارآور شوند.

۲۰ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

نیز گاهی جهاد؛ برای جلوگیری از تجاوز دشمن خارجی و حفظ مرزهای اسلامی و یا برای سرکوبی یاغیان و طاغیان داخلی و امنیت درون مرزی و یا نشر عدالت و پیشگیری ستم و تجاوز دفع و یا رفع ستمبارگی است و گاه به جهت رهایی ستمدیدگان و انسان ها و مستضعفان مؤمن در بند جهان است. پس ترغیب اسلام به جنگ و جهاد و مقدّس دانستن آن برای رسیدن به آرمان های والای انسانی است و گرنه اسلام بیش از هر مکتبی با خون ریزی و کشتار و ویرانی و فقر و نابسامانی، مبارزه می کند.

حقیقت این معنا را، حتی از دستورهایی که اسلام برای چگونگی مبارزه کردن و آداب آن دارد و

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۲۱

از پیامبر بزرگوار ما (صلی الله علیه وآله) نقل شده است، می توان دریافت.

- هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) گروهی از سپاهیان را به جنگ اعزام می داشت آن را نزد خود فرا می خواند و می فرمود:

«سَيْرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى
مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ».

به نام خدا، به کمک خدا، در راه خدا و به عنوان مِلّت رسول خدا، حرکت کنید و به آنان می فرمود: خیانت نکنید! گوش و بینی نبرید! تخلف و نقض عهد ننمایید! کودکان و زنان و پیران فرو

۲۲ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

افتاده را نکشید! درختان را قطع نکنید، مگر وقتی که چاره ای جز آن ندارید.^۱

آن حضرت - درود خدا بر او - به امیر لشکر فرمان می داد که درباره خود و عموم یارانش، تقوا پیشه سازد و می فرمود:

«آن گاه که با دشمن رویاروی شدید؛ به یکی از سه راه دعوت نمایید؛ چون پذیرفتند؛ دست از ایشان بردارید؛ (از جمله) به اسلام بخوانید؛ اگر مسلمان شدند با آنان کاری نداشته باشید...»^۲.

در سیره ی حضرت امام علی بن ابی طالب (علیه صلوات الله) در جنگ نیز نقل شده است که:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳.

۲. وسائل، ج ۱۱، ص ۴۳.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۲۳

تا ظُهر نمی شد، جنگ را نمی آغازید و می فرمود:
ظُهر، درهای آسمان گشوده می شود و رحمت خدا
روی می آورد و پیروزی و نصرت الهی فرود
می آید؛ ظهر نزدیک تر به شب است و لهذا
سزاوارتر است که قتل کم تر واقع شود و طالب
جنگ (با فرا رسیدن شب) زودتر باز گردد و شکست
خورده رهایی یابد.^۱

مطلب چهارم: این که: انسان، در اسلام دارای
مقام بسیار ارجمندی است؛ انسان این زمینه را دارد
که خلیفه الله باشد و هیچ موجودی در کاینات؛
«سرانجامی نیک» چون انسان، نمی تواند داشته باشد؛

۲۴ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

البته انسانی که اسیر دامگه نفس و تخته بند تن نشده باشد.

تو را ز کنگره ی عرش می زنند صغیر

ندانمت که در این دامگه چه افتاده است

پیکار در راه خدا قطعی ترین و بهترین و

نزدیک ترین راهی است که آدمی با آن به «سرانجام

نیک» و آن مقام والا که افتخار «شهادت» نام دارد؛

می رسد.

شهید، انسان والایی است که از تمام هستی

خود می گذرد و جان خدا داده را، در طبق اخلاص

می گذارد و به پروردگار تقدیم می کند و با این

ایثار؛ به ابدیت و جاودانگی می پیوندد و به مقام

شهادت و آگاهی خاصّ می رسد و به خیل شفیعیان

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۲۵

درگاه الهی ملحق می گردد. در متون اسلامی به احادیثی برمی خوریم که پرده از حقیقت رسیدن به این مقام برمی دارد، از جمله در سخنان بسیار گرانقدر حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) در نهج البلاغه آمده است:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ،
فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ...».

همانا جهاد، دری است از درهای بهشت که خداوند به روی دوستان ویژه ی خود، می گشاید.^۱
آری، شهادت؛ عالی ترین گزینشی است که انسان با آن؛ با یک جهش برتر؛ خویشتن را در

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، ح ۲۱.

۲۶ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

بالاترین جایگاه سیر تکاملی خود؛ قرار می دهد و به ستیغ سرفراز سعادت می رساند.

هر کس در راه عبادت و بندگی و اطاعت از دستورهای خداوند؛ کاری انجام دهد؛ قدمی از خودپرستی به سوی خدا پرستی برداشته است و جهادگر و شهید؛ کسی است که در این راه؛ بزرگ ترین گام را بر می دارد از این رو به برترین مقام نیز در میدان رحمت الهی دست می یابد. پیامبر گرانقدر(صلی الله علیه وآله) می فرمایند:

«فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ، بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛
وَ إِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ».

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۲۷

بالا تر از هر نیگویی؛ خوبی دیگری وجود دارد
تا آن گاه که آدمی در راه خدا کشته شود؛ چون چنین
شد دیگر فرادستِ او چیزی نیست»^۱.

در حدیث دیگری؛ هم از آن بزرگوار ارجمند؛
آمده است که از وی سؤال شد:

- ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله)! «ما بالُ

الشَّهِيدِ لَا يُفْتَنُ فِي قَبْرِه؟»

چرا شهید در قبر، مورد سؤال و آزمون قرار

نمی گیرد؟

فرمود:

«كَفَى بِالْبَارِقَةِ فَوْقَ رَأْسِهِ فِتْنَةً»^۲.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، ح ۲۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۶، ح ۶.

برق شمشیر بر فراز سر او؛ برای آزمایش او کافی بوده است.

* * *

اینک، بامروری به آن چه به عرض رسید؛ در خواهیم یافت که جنگ اگر چه چهره ای منفی دارد اما اگر در راه آرمان های والای انسانی و اسلامی به کار گرفته شود، نتایج و ثمرات بسیاری به همراه دارد که چهره ی راستین آن را می نمایاند: به عبارت دیگر از دیدگاه اسلام و قرآن، **جنگ وسیله است، نه هدف**. اینک می توان گفت که در اسلام **جنگ تنها؛ وسیله ی نیل به آرمان های زیبا و اسلامی است و بدین گونه؛ چهره ی شوم و تیره و خونباز آن از این**

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۲۹

دیدگاه؛ محو و زیبایی حقیقی آن چون خورشید
پگاهان بهاری؛ آشکار می گردد.

از خداوند بزرگ صمیمانه خواستاریم که توفیق
جهاد و شهادت در راه خویش را به همه ی ما ارزانی
فرماید.

ابعاد گوناگون جهاد

جهاد که از مهم ترین و شکوهمندترین واجبات و
ضرورات اسلام است؛ ابعاد گوناگونی دارد؛ و حتی
نام با شکوه آن «جهاد» در فرهنگ اسلام و قرآن، الهام
بخش این گسترده‌گی مفهوم و گوناگون ابعاد
می باشد.

عنوان اصلی این فریضه ی سترگ؛ «جهاد فی
سبیل الله»، یعنی کوشایی در راه خدا است و اگر

۳۰ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

تعبیرات دیگری نظیر «قتال» در قرآن کریم یا متون اسلامی ذکر شده؛ زیر پوشش همین عنوان اصلی است؛ مثلاً همین قتال یا کشتار مشرکان؛ شاخه ای از واجب اصلی یعنی «جهاد فی سبیل الله» است؛ در قرآن کریم آمده است:

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاءُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ آَزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا؛ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ؛ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»^۱.

بگو اگر نزد شما، پدران و فرزندان و برادران و همسران و اقوام تان و اموالی که اندوخته اید و

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۳۱

تجارتی که از کسادی آن بیم دارید و خانه هایی که پسندیده اید؛ از خدا و پیامبرش و جهاد در راه خدا؛ محبوب تر است؛ پس در انتظار بمانید تا خدا امر خویش را جاری سازد؛ و خدا قوم فاسق را هدایت نمی کند.

می بینیم که در این آیه؛ پس از توحید و رسالت؛ جهاد در راه خدا به عنوان **فريضة** الهی بیان شده که شامل ترین عنوانی است که در این زمینه؛ وارد گردیده است.

در احادیث نیز هر جا واجبات در کنار هم ذکر می شود؛ در مقابل نماز و واجبات دیگر، از جهاد نام به میان می آید.

۳۲ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

از امام صادق (علیه السلام) پرسیده اند: «أَيُّ
الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟» کدام کردار برتر است؟
قال: «الصَّلَاةُ لَوْفَتِهَا وَبِرُّالْوَالِدَيْنِ وَالجِهَادُ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ»^۱.

می فرمایند: نماز به هنگام و نیکی به پدر و
مادر و جهاد در راه خدا».

از مهم ترین برداشت هایی که از نام این
فریضه می توان کرد؛ (علاوه بر رهنمودهایی که در
متون مقدّس اسلامی آمده) این است که؛ جهاد، تنها
جنگ مسلحانه بر ضدّ تجاوزهای دشمن خارجی
نیست؛ بلکه هر گونه کوشش با هر وسیله ی ممکن،
در راه حقّ و تحقّق بخشیدن به آرمان های مقدّس

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۳۳

الهی و قیام همه جانبه بر ضدّ باطل در جهت براندازی هر گونه کفر و نفاق و استبداد و استعمار و استثمار و بیدادگری است.

با توجّه به این وسعت مفهوم است که می توانیم ابعاد مختلف جهاد را به بررسی بنشینیم و حوزه های وسیع آن را یکایک بازشناسیم:

۱ - بررسی جهاد به اعتبار طرف مبارزه:

طرف مبارزه، در وظیفه ی مقدّس جهاد؛ الزاماً همیشه انسان هایی نیستند که اقدام به تجاوز و ستم می کنند یا در خطّی بر ضدّ خطّ مکتب و ایدئولوژی اسلامی حرکت می نمایند؛ بلکه همه ی نیروهای اهریمنی که در داخل یا خارج وجود انسان، هر لحظه می خواهند «انسانیت» او را به تباهی بکشانند؛ همه

۳۴ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

«طرف مبارزه» در امر جهاد هستند؛ اعمّ از شیطان و نفس اماره؛ عوامل فساد یا منکرات یا دشمنان دیگر... از این میان حتّی «جهاد با نفس» یعنی جنگیدن با اهریمن درون وجود انسان؛ از سوی پیامبر عالیقدر اسلام (صلی الله علیه وآله) «جهاد اکبر» یا بزرگ ترین جهاد؛ نامیده شده است.

حضرت امام علی (صلوات الله و سلامه علیه)

می فرمایند:

حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)،

لشگری را جهت پیکار با دشمن گسیل داشتند؛ پس

از بازگشتن پیروزمندانه ی آنان؛ به آنها فرمودند:

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۳۵

«مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ
عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ! قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه
وآله): وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟»

قال (صلى الله عليه وآله): جِهَادُ النَّفْسِ «ثُمَّ
قال (صلى الله عليه وآله): أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ
نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ»^۱.

درود بر گروهی که جهاد کوچک تر را
گذرانیدند و جهاد بزرگ تر بر ایشان بازمانده است؛
سؤال شد: ای رسول خدا (صلى الله عليه وآله) جهاد
بزرگ تر کدام است؟

۳۶ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

فرمود (صلی الله علیه وآله): جهاد با نفس و بعد
فرمود برترین نبرد، نبرد آدمی با خویشتن خویش
است که آن را در گریبان دارد.

چنان که اشاره شد؛ طرف مبارزه جهاد تنها با
انسان هایی نیست که صریحاً با اصول اعتقادی اسلام
در مقابل انکار و مبارزه برخاسته و کافر محسوب
می شوند؛ بلکه کسانی نیز که در ظاهر معتقدات
اسلامی را قبول دارند ولی منافقند و در باطن باور
نمی دارند و در پی فرصت می گردند تا افکار
الحادی خود را ابراز یا تحقّق بخشند؛ از بارزترین
مصادیق «طرف مبارزه» در فریضه ی جهاد به شمار

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۳۷

می روند قرآن کریم در این مورد می فرماید: «یا أَيُّهَا
النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ»^۱.
ای پیامبر! با کفار و منافقین جهاد کن و بر
ایشان سختگیر باش!»

باغیان و یاغیان نیز مانند کفار و منافقین،
مشمول همین حکم و از طرف های مبارزه در جهاد
هستند؛ یعنی مسلمانانی که عملاً در راه طاغوت و
اهداف وی، گام برمی دارند و با ستم و ناروا
می خواهند بر گروه دیگری از مسلمانان سُلْطه یابند؛
از کسانی هستند که به نصّ قرآن عزیز باید با آنان
جهاد کرد:

۱. سوره ی توبه، آیه ی ۷۳.

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَ أَحَدُهُمَا عَلَى الْأُخْرَى، فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيَّ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۱.

اگر دو دسته از گروه‌دگان به اسلام به کشتار یکدیگر پرداختند؛ بین آنها اصلاح کنید و اگر گروهی بر دیگری ستم ورزید؛ با آن گروه پیکار کنید تا به امر خدا باز گردد و چون بازگشت؛ بین آن‌ها به عدالت، آشتی برقرار کنید و دادگر باشید که خدا دادگران را دوست می‌دارد.

۲ - بررسی جهاد به اعتبار «وسیله ی مبارزه»

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۳۹

با مفهوم بسیار گسترده ای که از جهاد به دست دادیم؛ روشن است که جهاد از جهت وسیله ی مبارزه؛ منحصر به وسایل متداول جنگ از سلاح های سرد و گرم؛ نمی شود و باید از هر وسیله ی ممکن در جهاد حق بر ضدّ باطل، استفاده کرد حتّی از فکر و اندیشه و قلم و بیان و تلاش در راه مبارزه فرهنگی و سیاسی و اقتصادی...

قرآن کریم در موارد بسیار؛ سخن از جهاد به وسیله ی مال و جان به میان آورده است و در سوره ی توبه می فرماید:

«وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱

با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید.

که مال و جان در این آیه نماد و سمبل «هر گونه وسیله ی مبارزه» است و در جای دیگر برای پیروزی بر دشمن دستور می دهد که برای نیرومندتر شدن هر تلاش ممکن را به کار برید؛ حتی امکاناتی را که در ارباب و ترسانیدن دشمن مؤثر است.

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ»^۱

هر چه می توانید در مبارزه با آن دشمنان فراهم آورید از نیرو از اسبان بسته و هماهنگ تا بوسیله آن دشمن از نیرو و از اسبان بسته و هماهنگ

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۴۱

تا بوسیله آن دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید و نیز جز آنان کسانی را که خدا می داند و شما نمی دانید و هر چه در راه خدا صرف کنید به شما باز می گردد و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.

می بینیم که در آغاز آیه، دعوت به تهیّه و آماده کردن هر وسیله ی ممکن برای مبارزه شده است و در پایان آیه نیز آمده است که از هر وسیله ای که استفاده شود ابزار جهاد «فی سبیل الله» محسوب می گردد و خداوند عوض آن را خواهد پرداخت.

۳ - بررسی جهاد از جهت هدف

بُعد سوّم جهاد در اسلام، هدف آن است. در این زمینه، نیز؛ جهاد در اسلام از گستردگی چشمگیری برخوردار است.

هدف جهاد در اسلام، تنها دعوت به فرهنگ اسلامی یا جلوگیری از تجاوزهای مرزی نیست، بلکه برای تحقق بخشیدن و عینیت دادن به تعالیم و فرهنگ اسلام و رفع هر گونه ستم و برپاداشتن عدل و نفی استثمار و اسارت و خلاصه رسیدن به همه ی آرمان های الهی و برقرار کردن وحدت بشری بر محور حق و عدل است.

به همین جهت؛ در قرآن کریم در مورد جهاد

عناوین:

فی سبیل الله و «ابتغاء مرضاتى» [= طلب خرسندی خداوند] به چشم می خورد تا حوزه ی شمول جهاد را در راستای همه ی آرمان هایی که برشمردیم؛ بگستراند:

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۴۳

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي...»^۱

ای مؤمنین؛ اگر در راه من و در طلب خشنودی من به قصد جهاد بیرون آمده اید؛ دشمن مرا و خود را، دوست مگیرید که با ایشان اظهار محبت نمایید؛ زیرا آنان به آن چه از سوی حق به شما رسیده کفر ورزیده اند و پیامبر و خودتان را بیرون می رانند، به خاطر آن که به پروردگار خود ایمان آورده اید.

۱. سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱.

در سخنان حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در نخستین نطق دوران زمامداری؛ آمده است:

«...أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسِمَةَ؛ لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارَوْا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَغَبِ مَظْلُومٍ؛ لَا لَقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ سَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلَئِهَا وَ لَا لَأَفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدُ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنزٍ...»^۱

سوگند به آن که دانه را شکافت و روح و یا انسان را آفرید؛ اگر نه چنین بود که افراد آماده حاضرند و حجّت الهی با وجود یاوران بر من تمام

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی سوم.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۴۵

شده است و نه چنین بود که خدا از دانشمندان پیمان گرفته است که پرخوری ستمبارگان و گرسنگی ستمدیدگان را تحمّل نکنند، همانا مهار شتر زمامداری را بر دوشش می افکندم و انجام آن را نیز مانند آغاز آن با پیاله‌ی بی اعتنایی سیراب می کردم؛ آن گاه در می یافتید که این دنیای شما نزد من از آب بینی یک بز، ناچیزتر است...».

از این سخنان دُرربار، روشن و بسیار زیبای امام (رُوحی لِتُرَابٍ مَّرْقَدِهِ الْفِدَاءِ) برمی آید که مبارزه بر ضدّ هرگونه ستم و تجاوز و وظیفه‌ی دانشمندان است و نیز جهاد در چهارچوب انواع معهود و مشهور؛ محدود نیست.

بنابراین، هر مسلمان موظف است که نه تنها خود بر اساس توحید و عدل زندگی کند بلکه تاجایی که توانایی دارد در راه حق پرستی و بیدار سازی خفتگان، رفع ستم از ستمدیدگان و محرومان و کسب آزادی و رفع فتنه و فساد؛ از هیچ کوششی دریغ نوزد. چنان که قرآن ارجمند می فرماید:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَفْتَنُوهُمْ وَآخِرُ جُوهْمُ مِنْ حَيْثُ آخَرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ... وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...»^۱.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۴۷

در راه خدا نبرد کنید با آنان که با شما می جنگند و از حدّیّا فرانهید که خداوند تجاوزگران را دوست نمی دارد. آنان را هر جا یافید بکشید و از آن جا که شما را بیرون رانده بودند؛ بیرون برانید و فتنه از کشتن بدتر است. با آنها بجنگید تا فتنه ایی در میان نباشد؛ و دین خدا برقرار گردد.

۴ - روش های مبارزه

یکی دیگر از ابعاد گستردگی جهاد؛ وسعت آن از جهت «روش های مبارزه» است. در اسلام، جهاد ویژهی جنگ مسلحانه و تنها به وسیله ی سلاح گرم و سرد نیست، بلکه مبارزهی مکتبی و جهاد ایدئولوژیک، از والاترین و مؤثرترین

شیوه های مبارزه است از همین رو، یکی از فرمان هایی که به پیامبر رسید؛ دستور مبارزه ی اعتقادی و فرهنگی؛ با کمک قرآن کریم ارجمند بود: در سوره فرقان آیه ی ۵۰ آمده است:

«وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»

با آنان (= کفار) با سلاح قرآن، مبارزه کن! پیامبر (صلی الله علیه وآله) خود فرموده اند:

«جَاهِدُوا الْكُفَّارَ بِأَيْدِيكُمْ وَالسِّتِّكُمْ»^۱

با بازوان و زبان هایتان؛ با کافران بستیزید!

هم چنین باز در قرآن گرامی می خوانیم:

«أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۱

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۴۹

آنان را با دانش و اندرز نیکو به راه خدا بخوان
و به مبارزه ی منطقی با آنان برخیز به آن گونه که
نیکوترین است.

روش دیگر مبارزه با فساد و تباه شدن نیروهای
جامعه؛ جهاد مسالمت آمیز و همیشگی و داخلی امر
به معروف و نهی از منکر است که ایجاد نظام عالی
اجتماعی اسلام و دوام و استمرار آن و رسیدن به
مقام والای «امت دعوت کننده به خیر»^۲؛ در گرو آن
است.

سپیده ی هشتم ولایت، حضرت امام رضا(علیه
السلام) می فرمایند:

۱. سوره ی نحل، آیه ی ۱۲۵.

۲. قرآن مجید - سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۴.

۵۰ / جهاد در راه خدا و ابعاد گوناگون آن

«لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ،
أَوْ لَيْسَتْ تَعْمَلُنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوْا خِيَارَكُمْ
فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ»^۱.

باید به نیک و معروف؛ فرمان دهید و از ناپسند
و زشت؛ بازدارید و گرنه اشرار، سرپرستان شمایان
خواهند شد و صالحان و پاکانتان دعا می کنند و
مستجاب نمی گردد.

پیامبر عالیقدر و بزرگوار اسلام (صلی الله علیه
وآله) نیز این فریضه را بخشی از جهاد محسوب
فرموده اند:

«إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ...»

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۹۴.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۵۱

برترین جهاد؛ این است که در نزد سلطان
ستمگری؛ از عدالت و دادگری، سخن به میان آوری.^۱
سرخیل جهادگران جهان و سالار شهیدان راه
حق و ایمان؛ در ضمن مطالبی که برای برادرش
محمد حنفیه (علیه السلام) نگاشت؛ از علل خروج و
قیام خونین خویش؛ از امر به معروف و نهی از منکر
نیز نام می برند (علیه صلوات الله و سلامه الی یوم
الدین):

«...أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ
أَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ...»^۲

۱. همان، ج ۱۱، ص ۴۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

بر آنم (که با این قیام خود) امر به معروف و نهی از منکر کنم و بر شیوه ی جدّ و پدرم (سلام الله علیهما) عمل نمایم.

چنان که قبلا نیز به اشاره عرض شد؛ در قرآن عزیز و کریم نیز خداوند بزرگ در سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۴؛ امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وسیله ی مبارزه با فساد و یک وظیفه ی اجتماعی؛ برشمرده است:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» باید برخی از شما به نیکی دعوت و از زشتی؛ نهی نمایند؛ و تنها آنان رستگارانند.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۵۳

این روش مبارزه، یعنی امر به معروف و نهی از منکر؛ از آن جا که موجب زنده نگاه داشتن جامعه و به مثابه ی تپش های قلب اجتماع است؛ در دستورهای اسلامی تأکید شده است که به هر اندازه که از انسان مسلمان ساخته است. و از او بر می آید؛ باید به این جهاد پردازد اگر چه حتی به اندازه ی ایجاد و احساس نفرت از عمل ناپسند در اندرون دل باشد.

پیامبر والا مقام اسلام (صلی الله علیه وآله)

می فرماید:

«مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُنْكِرْهُ بِيَدِهِ إِنْ اسْتَطَاعَ

فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ».

«فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ».

«فَحَسْبُهُ أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنَّهُ لِذَلِكَ كَارَةٌ»^۱.

هر یک از شما آنگاه که ناپسندی دید؛ باید اگر توانایی دارد به نیروی دست و بازو، با آن به ستیزه برخیزد و اگر نه؛ با زبان و اگر نه (دست کم) در دل و همین قدر او را کافی است که خدا بداند که قلباً از آن عمل خشنود نیست.

دیگر از روش های مبارزه و جهاد؛ کوشش برای رسیدن به «خود کفایی» است.

از بزرگ ترین و مهم ترین وظیفه های مسلمان ها به عنوان تکلیف الهی و دینی؛ یکی نیز این است که به انواع صنایع و فنون؛ مجهز باشند تا دیگران خیال نفوذ و غلبه بر آنان را در دل راه ندهند.

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۵۵

در آیه ی بسیار درخشان: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» که از این پیش به آن اشاره داشتیم؛ کلمه «قُوَّة»؛ شامل هر نیرو، از جمله نیروهای صنعتی پیشرفته برای استقلال و خودکفایی است.

زیرا دشمنان ما؛ دیگر سال ها است که تا می توانند؛ نخست از راه های پیچیده ای؛ به جز جنگ مسلحانه؛ برای درهم شکستن ما؛ استفاده می برند؛ که از آن جمله است نفوذ مزورانه و با نقاب «روابط حسنه» در مملکت و برنامه ریزی وسیع جهت به اصطلاح گسترش صنعت و کشاورزی و تعلیم فنون نظامی و امثال آن...

بدین گونه غیر مستقیم اما به طور اصولی و و پایگی ریشگی؛ با طرح ها و برنامه های بلند مدت و

ماهرانه و خائنانه؛ نظام فرهنگی، کشاورزی، صنعتی و ارتشی کشور را؛ از سویی در دست می گیرند و از سویی به شدت وابسته به فرهنگ و کشاورزی و صنعت و ارتش خود می سازند؛ به طوری که بعد از طی چند و چندین سال؛ اصولاً نیازی به دخالت مستقیم آن دشمنان و قدرتمداران در کشور زیر سلطه؛ وجود ندارد و دشمن، رشته ای برگردن اقتصاد و فرهنگ و صنعت و کشاورزی او افکنده است که این کشور؛ می رود آن جا که خاطرخواه اوست.

به ویژه که دشمن در این کشورها، اغلب عروسک های استعماری خود را به عنوان شاه یا رئیس مملکت یا امثال آن؛ بر مردم مسلط می کند و با دست او؛ و با اشاعه فساد و فرهنگ مصرفی و

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۵۷

ایجاد «خود بیگانگی فرهنگی»؛ روح جامعه را می‌کشد و شجاعت و حمیت جوامع و خلاقیت آن را، از بین می‌برد و بدین گونه؛ آن کشور همیشه وابسته می‌ماند و برای سلطه‌ی دشمن، نیازی به لشگرکشی نیست؛ مگر آن که جامعه با وجود رهبری آگاه و پیروی از دستورهای زنده ساز و آینده ساز اسلام، زیرا شلاق لطمه‌های استعمار؛ هر قدر زخمی شود؛ اما نمیرد تا به هنگام، برپا خیزد؛ چنانکه ما به زعامت علی الاطلاق رهبر عالیقدر انقلاب مقدس اسلامی خود حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (رحمة الله) علی رؤوس المسلمین و با همگامی با روحانیت ارجمند و آگاه و پیشرو اسلامی؛ بپا خاستیم و زنجیرهای استعمار فرهنگی و

اقتصادی و صنعتی و تجاری و کشاورزی غرب و شرق را از دست و پای خود؛ گشودیم... به همین جهت است که دشمن که از طریق های قبلی یعنی استعمار فرهنگی ما مأیوس است؛ دست به جنگ مسلحانه زده و با کوک کردن یکی دیگر از عروسکان دست آموز خویش یعنی صدام؛ می‌خواهد با یک تیر دو نشان زده باشد: هم یک ملت مسلمان را که ملت عراق باشد؛ به خونریزی هولناک و در نتیجه ضعف شدید دچار کند و هم ملت بیداری شده ی ما را با سلاح تهدید و دوباره بخواباند... *اَمَّا هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ* ... و چقدر ابله است دشمن؛ نمی‌داند که ملتی که بیدار بوده و اینک از رختخواب هم بیرون آمده و به پاسداری فرهنگ اسلامی و شرف قرآنی خود ایستاده

دوره هفتم، شماره سیزدهم / ۵۹

است؛ دیگر دوباره به هیچ قیمت؛ به خواب یا رختخواب نخواهد رفت؛ و چه بدبخت است صدام؛ که در برابر سنت الهی ایستاده است و عرض خود می برد و زحمت ما می دارد. بیچاره تقصیری هم ندارد؛ مسلمانان نیست تا بداند که ما مسلمانان طبق قرآن فرهنگمان؛ فرهنگ جهاد است و به فرموده‌ی رهبر عالی‌قدرمان: ما، مرد جنگیم.

پایان